

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی

۱۹ اکتوبر ۲۰۲۰

یادداشتی پیرامون جایگاه طبقاتی شجریان

این مختصر را در پاسخ به عزیزی که جویای نظر من بودند می نویسم.

پس از مرگ شجریان که در پی دست و پنجه نرم کردن با سرطان پیش آمد، رسانه های مختلف، از نوع آشکارا ارتجاعی آن ها گرفته تا رسانه های راست که ادعای بی طرفی یا حتی در کنار مردم بودن را دارند، جهت تجلیل از او سنگ تمام گذاشتند. از هنر او گفتند، به او لقب "خسرو آواز" دادند و ... البته جماعت فوق به این ها بسنده نکردند و علی رغم صحبت های واضح شجریان در دفاع از جمهوری اسلامی و به رغم انتشار عکس هایش که او را همراه با جنایتکاران حکومتی و حتی در حال تعظیم به آن ها نشان می دهند، سعی کردند با شگردهائی او را "هنرمند مردمی" که گویا همانند مردمان ستمدیده و جان به لب رسیده ما با جمهوری اسلامی سر ستیز داشت، به مخاطبان خود قالب کنند. بر چنین زمینه ای، با اظهار نظرهای مخالف و موافق صورت گرفته، بحث های داغی در رابطه با جایگاه واقعی شجریان و چگونگی برخورد به آن در همه جا و از جمله در شبکه های مجازی به راه افتاده است.

در صف بندی ایجاد شده در مورد شجریان، از یک سو حامیان، وی را "خسرو آواز ایران" و خواننده ای که در کنار مردم بود و برای آن ها می خواند معرفی می کنند، و در سوی دیگر، مخالفانش مواضع سیاسی وی را که اتفاقاً مغایر با خواست ها و مطالبات توده هاست، برجسته کرده و جایگاه مردمی دادن به او از طرف رسانه های طرفدارش را قبول نداشته و وی را شایسته چنان جایگاهی نمی دانند. در واقعیت امر حتی اگر برخی از اظهارات و برخوردهای شجریان دال بر مخالفت او با جمهوری اسلامی تلقی شود، با ارفاق زیاد به طرفدارانش، حداکثر می توان او را در طیف اصلاح طلبان قرار داد. آن هم در زمانه ای که مردم کوچه و بازار فریاد می زنند "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا".

بنابراین هنرمند مردمی خواندن شجریان و یا او را در کنار مردم و مخالف جمهوری اسلامی جلوه دادن، در عمل به معنای خاک پاشیدن به چشم توده هاست. اتفاقاً تجربه نشان داده است که به قول جلالی پور، یکی از اصلاح طلبان مشهور، "اصلاح طلبان به منزله پُلی هستند که امکان همزیستی محافظه کاران و مردم را در درون نظام فراهم کرده اند. آنان غریق دریای نارضایتی مردم بودند و اصلاح طلبان به منزله نجات غریق آنان". به عبارت دیگر و یا به بیان واقعی تر، اصلاح طلبان با طرح برخی ایرادات و انتقادات نسبت به حاکمین، سعی خود را معطوف به مردمی جلوه دادن خود کرده اند تا با جلب اعتماد مردم بتوانند کلیت نظام موجود را از خشم و نفرت توده ها مصون نگاه دارند.

امروز نیز طرفداران شجریان به برخی از گفته های او استناد می کنند تا او را در صف توده ها (خلق) جای دهند. مثلاً گفته می شود که شجریان بار ها گفته که "ما از سیاست به دور هستیم" (*) اما مشکل آن جاست که شجریان هیچ وقت روشن نکرد که از چه سیاستی به دور است. بدون شک، وی، از سیاست انقلابی به دور بود نه از سیاست ارتجاعی. مثلاً یکی از جلوه های دور نبودن او از سیاست ارتجاعی، بیعتش با خمینی جلال بود. هنگامی هم که در دفاع از موسوی به مخالفت با احمدی نژاد برخاست که مخالفان را "خس و خاشاک" خطاب کرده بود، باز آشکار کرد که از سیاست ارتجاعی دور نبوده است. به یاد آوریم که مگر میر حسین موسوی نمی گفت "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر" و مگر این شعار اصلاح طلبان در سال ۸۸ نبود؟ همان اصلاح طلبانی که هیچ گاه مخالف اصل جمهوری اسلامی نبوده و نیستند؟

اتفاقاً، شجریان برای این که توهمی باقی نماند که مبدا کسی تصور کند که وی در دفاع از توده های جان به لب رسیده (همان ها که در میدان مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی به هر نوع فداکاری دست می زنند)، با احمدی نژاد مخالفت کرده بود، در این باره چنین گفت: "وقتی به یک نفر می گوئیم تو حق توهین کردن به مردم را نداری این درافتادن با کل نظام نیست. عده ای می خواهند سوء استفاده کنند که چون این شخص به وزیر یا رئیس جمهور گفته این کار را اشتباه انجام دادی، پس این آدم با اصل جمهوری مخالف است که این ستم است". در این جا باید گفت که واقعاً هم با عدم فهم موضع واقعی شجریان در رابطه با رژیم حاکم، در حق این خواننده ستم روا شده بود! البته نه از آن ستم هایی که هر روزه در هر کوچه و خیابان بر مردم ستمدیده اعمال می شود بلکه همین که به یک اصلاح طلب اتهام بزنی که با اصل جمهوری اسلامی مخالف است، این خود ستم بزرگی در حق اوست! بیپوده نبود که شمس الواعظین یکی از اصلاح طلبان معروف زمانی مطرح کرد که: "اصلاحات فراتر رفتن از نظام و آسیب رساندن به آن نیست، بلکه فرو رفتن در نظام و آسیب شناسی و آسیب زدائی از آن است".

این را هم به خاطر آوریم که در مملکتی که دیکتاتوری حاکم سیاست های ارتجاعی اش را در لفافه دین و مذهب توجیه می کند - همان مذهبی که مارکس آن را "افیون توده ها" نامید - آواز خوانش هم باید با "خلوص" تمام و احساس کامل، آن هم در ماه رمضان و در "حال و هوای نزدیک افطار" برود استودیو تا "ربنا" بخواند. بعد هم اندر محسنات آن بگوید: "بالاخره وقتی شما با خلوص کاری را انجام می دهید این تأثیر خوب را می گذارد". منظور "تأثیر خوب" همان "ربنا" نی است که در خدمت تخریب مذهبی توده ها و اشاعه ایدئولوژی دولتی قرار می گرفت و می گیرد. البته خواننده می تواند مدعی شود که ایرادی به شجریان وارد نیست چون وی بارها فریاد زده که "من نمی خواستم کار سیاسی بکنم. ما از سیاست به دور هستیم"، و تأکید داشت که "هنر مثل خورشید به دوست و دشمن باید یکسان بتابد". البته با همین اعتقاد بود که "ربنا" نی خلق شد که حتی در زمان دعوایش با صدا و سیمای جمهوری اسلامی و در حالی که از آن ها می خواست آوازاها و صدای وی را پخش نکنند با این حال اجازه پخش "ربنا" را می داد. خودش در این زمینه می گوید "در آن جا گفتم فقط اجازه پخش ربنا را دارید. زیرا برای افطار مردم آن را خوانده ام". آخر این "خورشید" با تابش "یکسان" ش می بایست "پروردگار" را بر سر سفره بی چیز ستمدیدگان بنشانند تا آن ها با توکل به او رنج و مشقت های زندگی شان را متحمل شوند و سخن به اعتراض نگشایند. برآستی که "ربنا"، آن هم با صدای حزن انگیز و تعلیم یافته خواننده اش، وسیله خوبی در دست آخوند های مرتجع حاکم برای فریب توده ها و جهت پیشبرد مقاصد ارتجاعی شان در زندان ها علیه دختران و پسران جوانی بود که به عشق آزادی پا در میدان مبارزه گذاشته بودند و حال مرتجعان در سپاهچال های خود می خواستند از آن ها تواب در خدمت سرکوب آزادیخواهی بسازند.

شوربخت، آن مردمی که در زندان بزرگ ایران باید - موسیقی - "غذای روح" شان، اراجیف مذهبی شود. البته، شجریان آوازهای زیادی خوانده و برای عده ای هم خواننده مورد قبول به حساب می آید. اما، این، موضوع بحث در این جا نیست. بحث بر سر جایگاه طبقاتی شجریان است که خواننده خدمت گزار حکومتیان بود و در بهترین حالت فردی اصلاح طلب در کنار دیگر اصلاح طلبان، حافظ نظام جمهوری اسلامی بود.

۲۵ مهر [میزان] ۱۳۹۹ - ۱۶ اکتوبر ۲۰۲۰

زیر نویس:

* - همه استناد ها به آخرین مصاحبه شجریان با روزنامه ایران به تاریخ ۱۷ خرداد [جوزا] ۱۳۹۵ می باشد.